

## تصیحات اوکاهها

### رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه در بزه استفاده از جعل توجه ضرر بدبگری احراز نشده باشد

ماده ۱۰۲ و ۱۰۵ قانون مجازات عمومی

منتهی در نظر دادگاه دو عمل فرض شده است و بنا بر این اساساً رعایت ماده ۴۵ مکرر بيمورد خواهد بود ولیکن بر حکم دادگاه این ایراد وارد است که دادگاه بدون تحقیق از اینکه شخصی که قبض با آن اسم تنظیم شده وجود داشته است که تصور ضرری برای او از تنظیم ورقه مزبور بشود یا نه مبادرت بحکم بجمولیت ورقه و استفاده از ورقه مجعوله با علم بمجمولیت آن نموده است در صورتیکه یکی از ارکان جعل و بالتبع تحقق عنوان استفاده از سند مجعول وجود خارجی شخصی است که ورقه بنام او جعل شده و امکان توجه ضرر است بمنتهی الیه و مادام که مراتب فوق مدلل نشود قضیه عنوان استفاده از سند مجعول را نخواهد داشت و جرم منتهم همان عنوان کلاه برداری خواهد بود و چون این اندازہ نقص در تحقیقات مؤثر در تعیین مجازات است حکم فرجام خواسته بانفاق نقض میشود (۰۰)

کسی بانهام استفاده از برگهای جعلی و کلاهبرداری مبلغی از مال دولت تحت تعقیب واقع و دیوان جزا منتهم را بعنوان استفاده از برگ جعلی با علم بجملی بودن آن و ارتکاب کلاهبرداری با رعایت ماده ۴۴ از جهت استفاده بششماه حبس تأدیبی و از جهت کلاهبرداری بانفصال ابد از خدمت دولت و پرداخت پنج برابر مبلغ دریافتی محکوم کرده. دیوان کشور شعبه ۵ در حکم شماره ۳۴ مورخ ۱۸-۱-۶ چنین رأی داده است :

(مفاد اعتراضات دادستان دیوان جزا آنست که دادگاه در تعیین مجازات استفاده از سند مجعول با آنکه کلاهبرداری نیز ثابت دانسته و فائل بمعد جرم بوده است رعایت ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی را ننموده که این اعتراض وارد نیست چه آنکه عمل ثابت در نظر دادگاه (استفاده از قبض مجعول در کلاهبرداری از دولت) حقیقه عمل واحد بوده

### رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه در تکرار جرم سن منتهم حین ارتکاب رعایت نشده باشد

ماده ۲۵ اصلاحی و ماده ۳۸ قانون مجازات

مجازات نموده و نظر باینکه طبق گواهی پزشکی قانونی که در مقدمه حکم بدوی بدان اشعار شده سن منتهم در موقع معاینه (۲۹-۱-۱۷) متجاوز از ۱۸ و در حدود ۲۰ سال تشخیص گردیده و نظر باینکه ساله اولین حکم محکومیت اول بهمن ۱۳۱۱ و آخرین حکم ۹-۹-۱۶ می باشد و با این کیفیت بر تقدیر اینکه سن منتهم در ساله معاینه پزشکی در حدود ۲۰ سال باشد ظاهراً ارتکاب بعضی از گناهان سابق و محکومیت های پیشین او در زمانی بوده که کمتر

کسی بانهام چند فقره دزدی با داشتن پیشینه دزدی و محکومیت مؤثر تحت تعقیب واقع و در مرحله نخستین و پژوهشی باسناد ماده ۲۵ و ۲۰ الحاقی و ۴۵ مکرر بسه سال حبس با اعمال شاقه محکوم می شود. دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۲۶۷ مورخ ۳-۲-۱۸ چنین رأی داده است : (نظر باینکه دادگاه استان از این لحاظ که منتهم بیش از دو فقره پیشینه محکومیت جزائی دارد برای بزه اخیر او طبق شق ۳ ماده ۲۵ اصلاحی قانون مجازات عمومی تعیین

و لازم بوده دادگاه استان باز جوئی و رسیدگی کامل در تعیین سن متهم در سالمه محکومینهای پیشین او نموده سپس طبق تشخیص خود که اصولاً در تعیین مجازات معتبر است حکم مقتضی صادر کند و چون دادگاه از این جهت توجهی ننموده از لحاظ نقص رسیدگی حکم فرجام خواسته مخالف اصول محسوب میشود و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزئی با اتفاق آراء نقض میشود (۰۰۰)

از ۱۸ سال داشته و طبق مستفاد از ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی نمیبایست آن محکومینها از لحاظ تکرار موثر در تعیین مجازات بزه ارتكابی اخیر گردد و صرف صدور آن احکام بمجازات حبس تادیبی با تشخیص مزبور در خصوص سن متهم مجوز نبوده که دادگاه بدون احراز سن او در سالمه ارتكابهایی سابق آن محکومینها را با استناد ماده ۲۵ که ناظر بچنین مورد نمیباشد موثر در مجازات قرار داده و با رعایت قواعد تکرار گناه برای بزه ارتكابی اخیر او تعیین مجازات نماید

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد صدور امرنامه با وجود تعدد بزه

ماده ۵۹ مکرر اصول جزائی

-----

تادیبی نباشد و چون در این مورد میزان مجازات متهم از لحاظ تعدد بزه سه سال حبس تادیبی بوده و امکان تخفیف مجازات او تا ششماه در طرز رسیدگی باصل اتهام و صلاحیت موثر نخواهد بود حکم فرجام خواسته مخالف قانون بشمار میرود ( وارد نیست زیرا بر فرض اینکه استدلال دادگاه پژوهش در رد اعتراض دادرسی مزبور که از لحاظ نوافق نظر دادرسی شهرستان با دادگاه جنحه در میزان مجازات صدور امر نامه رایی اشکال دانسته قابل خدشه باشد نظر باینکه پس از صدور امر نامه از دادگاه جنحه متهم بمقام اعتراض بر آمده و دادگاه مزبور برای رسیدگی با اعتراض او جلسه محاکمه تشکیل و حکم پژوهش خواسته در نتیجه رسیدگی و دادرسی صادر شده بوده و همان حکم مورد درخواست پژوهش بوده در جریان قضیه اشکالیکه موثر در نقض باشد بنظر نمیرسد و بر هر تقدیر حکمی که از دادگاه استان بر تائید حکم بدری بشرح مذکور صادر شده خالی از اشکال قانونی است و با اتفاق آراء ابرام میشود «

کسی با اتهام دو مرتبه دزدی تحت تعقیب واقع و دادگاه جنحه ضمن امر نامه بنا به درخواست دادستان او را بدو بار ششماه حبس تادیبی محکوم کرده - دادگاه پژوهش بر اثر اعتراض دادستان و متهم رسیدگی و چنین رای داده « با تهیه زمینه رای از طرف دادستان بمیزان ششماه حبس برای هر يك از دو بزه ارتكابی و موافقت دادگاه با میزان نامبرده و عدم تجاوز از میزان معین در ماده ۵۹ مکرر و مقید بودن ماده بقیدی - رسیدگی دادگاه در حدود ماده نامبرده بی اشکال است و از حیث تعیین مجازات هم ایرادی نیست « دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۳۱۸ مورخ ۲۳ و ۱۸ بر اثر اعتراض دادستان چنین رای داده است: «اعتراض دادرسی بر حکم فرجام خواسته خلاصه و بالنتیجه آنکه (طبق ماده ۵۹ مکرر قانون اصول محاکمات جزائی صدور امر نامه از دادگاه جنحه مخصوص بمواردی است که میزان مجازات گناه متناسب بیش از ششماه حبس

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد دیکه دادگاه شکایت جزائی زن کتبر از ۱۸ سال در مورد نفقه را بعنوان عدم رشد قانونی رد کرده

ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی و ۲۱۴ قانون مجازات

-----

واقع در مرحله پژوهشی از لحاظ آنکه شاکی ۱۸ سال

کسی با اتهام ندادن نفقه و طلاق بر اثر شکایت زن تحت تعقیب

که زوجیت تحقق یافت با نرسیدن هزینه ضروری اگرچه سن زوجه به ۱۸ سال تمام نرسیده باشد برای شکایت از شوهر اهلیت خواهد داشت و این مورد مستثنی از احکام راجع برشد قانونی است که این استنباط دادستان مستند قانونی نداشته و بدون مستند نمیتوان مورد را استثناء از قانون رشد کرد و چون از سایر جهات نیز اشکالی بنظر نرسید حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء ابرام میشود.

تمام نداشته طبق ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی ممنوع از دخلت در حقوق مالی خود که از جمله نفقه و کسوه است میباشد قرار منع تعقیب او صادر شده - دیوان کشور شعبه ۵ در حکم شماره ۳۰۳ مورخ ۱۳/۲/۱۸ چنین رای داده است:

(مفاد اعتراض دادستان استان این است که بر حسب مستفاد از ماده ۲۱۴ قانون مجازات عمومی که قانون گذار در مقام تامین معاش و تکلیف زن شوهر دار بوده و همین

### رای دیوان کشور برابر ابرام

در مورد بیکه حق تقدم دولت در مورد بدهکار تخصیص بدارائی آواد او داده شده

ماده ۱۹ قانون منعم بودجه ۱۳۱۳

اینکه فرجام خواننده خانه ملکی خود را معامله رهنی نموده باشد حق تقدم دولت از بین نخواهد رفت و ثانیاً خانه مورد معامله شرطی بیشتر ارزش داشته و وجه الضمانه از محل اضافه قیمت قابل استیفاء بوده است نظریاتیکه با ملاحظه اصول و قوانین مربوطه معروض است که مقصود از حق تقدم در قانون استنادی نسبت با اموال مطلق مدیون است نه مالیکه مقید و عیناً متعلق حق دیگر است و طبق قانون ثبت هم منبع شرط ملك طلاق بایع نمیشاند و محل مقید استیفاء اصل ثمن و اچور آنست لذا اعتراض وارد نمیشاند

کسی در برابر وجه الضمانه وزارت دارائی دعوی اعسار کرده و در مرحله نخستین محکوم بدم اعسار شده و در مرحله پژوهش پس از رسیدگی حکم رافسخ و پژوهش خواه را معسر شناخته است - دیوان کشور شعبه ۱ در حکم شماره ۲۲۵ مورخ ۱۲/۲/۱۸ چنین رای داده است:

(عمده اعتراض فرجام خواه این است که اولاً مطابق ماده ۱۹ قانون منعم بودجه سال ۱۳۱۳ وزارت دارائی مقدم بر سایر طلبکاران است و قبول کنندنده معامله شرطی هم طبق قانون ثبت عنوان طلبکار را دارد بنا بر این بر فرض

### رای دیوان کشور بر تقض

در مورد بیکه دادگاه مطالبه تفاوت قیمت زمین را بعنوان دعوی تقابل و تهاتر از طرف پذیرد

ماده ۲۹۶ و ۲۹۹ قانون مدنی و ماده ۵۶ و ۵۸ قانون آرمایش

شهر داری محکوم کرده - دیوان کشور شعبه ۴ در حکم شماره ۲۱۷ مورخ ۱۸/۲/۱۸ چنین رای داده است:

(چون از جمله مدافعات اداره شهر داری دعوت تفاوت حصول مرغوبیت نسبت به بقیه زمینهای مدعی و عنوان تهاتر و احتساب بوده ورد دفاع مذکور از طرف دادگاه استان باینکه دعوی مطالبه تفاوت بعنوان تقابل در موعد تقدیم شده صحیح نیست زیرا در صورتیکه اداره شهر داری از جهت

کسی بر شهرداری اقامه دعوی کرده و با استناد ق-ار داد مبلغی وجه از بابت مقداری زمین در برابر زمین او که جزء خیابان شده مطالبه کرده و در مرحله نخستین شهرداری محکوم و در مرحله پژوهشی دعوی تفاوت قیمت بعنوان مرغوبیت زمین کرده و دادگاه بعنوان اینکه دعوی تقابل در موعد نبوده و با رعایت مفاد مقصود از ماده ۲۹۹ و اینکه مورد شمول ماده ۲۹۶ قانون مدنی (راجع به تهاتر) نیست

تفاوت حصول مرغوبیت بقیه اراضی حق مطالبه وجهی از مدعی داشته باشد دعوی تهاتر و احتساب در مقابل وجهی که مدعی مطالبه میکند دفاع محسوب است و محتاج بتقدیم دادخواست متقابل نمیباشد و چون مورد مطالبه در طرف وجه نقد و زمان و مکان نادیده هم در موقع مطالبه متحد

بوده مورد مشمول ماده ۲۹۶ قانون مدنی خواهد بود و استناد دادگاه بعدم شمول آنماده و برعایت مفاد مقصود از ماده ۲۹۹ قانون مذکور غیر موجه است لذا حکم مورد شکایت بموجب شق ۲ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود (۰۰۰)

### رای دیوان کشور

در مورد اختلاف در صلاحیت دادگاه استان نسبت برسیدگی پژوهشی حکم دادگاه جنجه

ماده ۲۰۱ اصول دادرسی جزائی و ۱۶۷ اصول دادرسی حقوقی

کسی در دادگاه جنجه بجرم قتل غیر عمدی سه سال حبس تادیبی محکوم شده و پژوهش خواسته دادگاه استان از لحاظ اینکه محل وقوع جرم جزء حوزه استان دیگر شده قرار عدم صلاحیت صادر و استان دیگر هم باعتبار اینکه حین وقوع جرم محل جزء استان اولی بوده قرار عدم صلاحیت داده دیوان کشور شعبه ۵ در حکم شماره ۲۷۶ مورخ ۱۲/۲/۱۸۲۲

چنین رای داده است که چون موضوع رسیدگی در دادگاه استان اولی حکم دادگاه جنجه همان استان است و رسیدگی پژوهشی با حکم جنجه هر حوزه از صلاحیت دادگاه استان همان حوزه است بنابر این حل اختلاف با تصدیق صلاحیت استان اولی بعمل میآید

### رای دیوان کشور بر نقض

در مورد اینکه دادگاه در مورد ضرب عمدی منتهی بقوت در درجه تخفیف داده

ماده ۴۴ - ۱۷۱ - ۱۹۲ اصلاحی قانون مجازات

کسی با اتهام انداختن سنگ بطرف کسی که پس از اصابت منتهی بقوت ارشده تحت تعقیب آمده و دادگاه جنائی پس از رسیدگی و تطبیق مورد با جزء اول ماده ۱۷۱ و برعایت تخفیف با استناد ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی او را بدو سال حبس تادیبی محکوم کرده - دادستان فرجام خواسته دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۲۳۸ مورخ ۱۱/۲/۱۸۲۲ چنین رای داده است :

« اعتراض دادستان دایر باین که مجازات معین در حکم فرجام خواسته مخالف ماده ۱۹۲ اصلاحی قانون مجازات عمومی میباشد و اود است زیرا در این مورد که

دادگاه بزه ارتکابی متهم را با قسمت اول ماده ۱۷۱ آن قانون تطبیق و مجازات اصلی بزه حبس موقت با اعمال شافه بوده با احراز موجبات تخفیف طبق ماده ۱۹۲ (که از لحاظ تأخر سالمه تصویب حکم آن در مورد بزهای مذکور در آنماده وارد بر حکم ماده ۴۴ قانون مزبور است) مجازات او فقط یکدرجه قابل تخفیف میباشد که حبس مجرد میشود لذا تعیین دو سال حبس تادیبی که نسبت بمجازات اصلی بزه دو درجه تخفیف است مخالف قانون بشمار میرود و حکم فرجام خواسته بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود (۰۰۰)

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد بیکه چک نکولی اعتراض نشده در دادگاه پذیرفته شده

ماده ۲۹۳ و ۳۱۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت

( ۳۱۸ - ۳۱۹ ) در این قبیل اسناد از قبیل بروات و چک و فته طلب در صورتیکه واخواست نشده باشد اقامه دعوی در محاکم عمومی مانع قانونی ندارد و فقط از مزایای ماده ۲۹۳ قانون تجارت بهره مند نخواهد بود حکم را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه ۱ در حکم شماره ۲۲۰ مورخ ۱۲/۲/۱۸ حکم مزبور را موجه و خالی از اشکال دانسته و ابرام کرده است -

کسی بعنوان آنکه چک نکولی را از صادر کننده آن مطالبه کرده و از پرداخت امتناع دارد بر صادر کننده اقامه دعوی کرده دادگاه پس از تأمین مدعی به شنیدن مدافعات مدعی علیه که از جمله آنکه (بواسطه اعتراض نکردن مدعی نسبت به پرداخت چک نامبرده طبق ماده ۲۹۳ و ۳۱۴ قابل استناد نیست) با استناد آنکه صدور چک دلیل اشتغال ذمه صادر کننده است مدعی علیه را محکوم کرده و دادگاه استان با استناد آنکه با توجه بمواد مربوطه بمروور زمان

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد بیکه دادگاه برای اثبات اصالت وقفنامه بازجوئی محلی تنها را کافی ندانسته و نپذیرفته

ماده ۳۵ قانون مدنی ماده ۱۱۸ قانون آزمایش

مقررات به تنهایی مثبت و غفیت و عمل بان نمیتوان واقع شود مضافاً اینکه طبق ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف مادام که خلاف آن ثابت نشده دلیل مالکیت است بنا بر این حکم مزبور دایر بر عدم اثبات دعوی و غفیت بی اشکال است و تأیید میشود) - دیوان کشور شعبه ۱ در حکم شماره ۲۱۴ مورخ ۹/۲/۱۸ چنین رای داده است :

اداره اوقاف با استناد بر گواهی دعوی و غفیت ملک را کرده طرف مدارک را تکذیب کرده مدعی برای اثبات آن استناد به بازجوئی محلی کرده دادگاه با استناد اینکه تصرف مدعی علیه بعنوان مالکیت محرر و تا خلاف آن ثابت نشود دلیل مالکیت است و اینکه مدعی دلیلی برای اصالت اوراق استنادی که مورد تکذیب طرف بوده اقامه نکرده دعوی را غیر ثابت دانسته - و دادگاه پژوهشی پس از رسیدگی چنین رای داده:

[ بگانه اعتراض اداره فرجام خواه آنست که برای اثبات اصالت وقفنامه تقاضای تحقیقات محلی کرده و اقدامی به عمل نیامده است در صورتیکه همین اظهار را نماینده اداره مزبور در دادگاه پژوهشی نیز نموده و دادگاه با دلایل موجه تقاضای مزبور را بیه و قع تشخیص و آنرا رد نموده است و بر نظر دادگاه هم نمیتوان ایرادی وارد نمود لذا باتفاق آراء ابرام میشود )

( آنچه که مستاف برای اثبات مدعی خود مورد در خواست قرار داده تحقیق محلی است که بادر نظر گرفتن اینکه برگهای مدرک به تماماً تکذیب شده و دلیلی هم برای صحت اثبات آنها اقامه نکرده قبل ترتیب اثر نمیشود چه آنکه با عدم احراز صحت اوراق مزبوره گواهی مطلعین طبق

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد بیکه مجرد صدور حواله مدیونیت محیل را نمیرساند

ماده ۷۲۴ و ۷۳۰ قانون مدنی

کسی در مرحله نخستین محکوم بپرداخت خواسته در حق مدعی شده و در مرحله پژوهشی از لحاظ اینکه

حواله در صورتی محقق میشود که محیل مدیون محتال بوده و دین مذکور از ذمه محیل بذمه محال علیه منتقل شود و در این مورد بر حسب استنباط دادگاه از برگزیده مدارک طرف و محتویات پرونده حواله حقیقتاً حواله که در قانون مدنی تعریف شده است نبوده و محیل از این بابت اشتغال ذمه، محتال نداشته و مداخله فرجام خواننده بر حسب رکالت از فرجام خواه در وصول وجه حواله بوده است بنا بر این حکم مورد شکایت بانفاق آراء خبرم است)

بر دادگاه محقق شده که پتروئیس خواننده بر حسب حواله پتروئیس خواه مبلغی وصول کرده و مبلغ نامبرده بابت بدهی پتروئیس خواه به پتروئیس خواننده بوده حکم را فسخ کرده است - دیوان کشور شعبه ۴ در حکم شماره ۲۹۰ مورخ ۱۸/۲/۱۱ چنین رای داده است:

(اعتراض فرجام خواه بدین خلاصه که موافق مستفاد از مواد ۷۲۳ و ۷۳۰ قانون مدنی حواله نقل ذمه مدیون است بغیر بنا بر این اصل در حواله این است که محیل مدیون محتال باشد وارد نیست زیرا مفاد مواد مذکور این است که

### رای دیوان کشور بر نقض

در مورد دادخواست پتروئیس از قرار تأمین مدعی به در امر جزائی

ماده ۶۸ و ۳۴۳ قانون اصول دادرسی جزائی

رای داده است:

( قید در ضمن محاکمه که در ماده ۳۴۳ قانون اصول محاکمات جزائی ذکر شده اعم از این است که اساساً قضیه در ماهیت دعوی تحت نظر دادگاه باشد که بنگ چنین قراری صادر نماید یا اینکه تقاضای بازپرس برای صدور تأمین مدعی به عمل در دادگاه مورد رسیدگی واقع شود چه آنکه در هر دو صورت دادگاه قرار را در ضمن محاکمه میدهد بنا بر مراتب مزبوره قرار دادگاه استان تهران بر خلاف ماده فوق صادر گردیده و بر طبق ماده ۳۴۳ قانون اصول محاکمات جزائی با کثرت آراء نقض میشود.)

کسی بعنوان خیانت در امانت بر کسی اقامه دعوی کرده و ضمناً در خواست تأمین خواسته کرده دادگاه جنحه طبق درخواست بازپرس قرار تأمین صادر و متهم پتروئیس خواسته دادگاه استان از لحاظ اینکه مورد را مشمول ماده ۳۴۳ ندانسته دادخواست پتروئیس را رد کرده - دیوان کشور از لحاظ اینکه قید جمله [ ضمن محاکمه ] در ماده ۳۴۳ اعم از این است که دادگاه جنحه قرار تأمین را در موقعی صادر نماید که اصل قضیه در خود دادگاه مطرح باشد یا نزد بازپرس - قرار را نقض کرده - دادگاه استان مجدداً قرار رد دادخواست بعنوان عدم مشمول مورد صادر کرده - هیئت عمومی دیوان کشور در حکم شماره ۲۷۲ مورخ ۱۸-۲-۶ چنین

### رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بکه دادگاه جزائی در جلسه مقدماتی وارد ماهیت شده

ماده ۳ اصول اصلاحی دادرسی جزائی و ماده ۴۰۸ اصول دادرسی جزائی

خود گفته است و قنیه امر کرده است مشار البها اطاعت نموده و بعداً خواسته او را جلب نماید و هیچیک از دلایل مضبوطه در پرونده مدلل نمیدارد که یاسبان مأموربیت جنب ضعیفه را پس از اطاعت داشته است یا اثر ضعیفه اطاعت نکرده باشد و نزاعی روی داده باشد بتوان متهمین را در

کسی با اتهام ضرب و جرح به یاسبان حین انجام وظیفه باسناد ماده ۱۶۶ قانون مجازات تحت تعقیب واقع و دادگاه جزائی در جلسه مقدماتی چنین رای داده:

(گرچه مطابق ادعا نامه و گزارش شهرتانی یاسبان مأمور بوده است ولی طبق مندرجات پرونده یاسبان مذکور

بوده که مطابق ماده ۱۶۶ قانون مجازات عمومی جنائی محسوب و رسیدگی بآن در حدود صلاحیت دادگاه جنائی است و تشخیص اینکه آیا حقیقه در موقع انجام وظیفه این عمل را نسبت بیاسبان مرتکب شده اند امری نیست که دادگاه جنائی بتواند در نشست مقدماتی موضوع رسیدگی قرار داده و نسبت بان اظهار عقیده کند بلکه طبق اصول باید دعوی را موضوع رسیدگی قرار دهد ولو اینکه در پایان تحقیقات و دادرسی معلوم شود که عمل انتسابی فاقد شرطی از شرایط ادعائی است که او را از عنوان جنائی خارج و بصورت جنحه واقعی درآورد که در اینصورت نیز طبق ماده ۴۰۸ قانون اصول محاکمات جزائی همان دادگاه جنائی مجاز در اصدار حکم مقتضی خواهد بود بنا بر این قرار مورد درخواست فرجام مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۳۰ قانون مذکور بانفاق آراء نقض میشود.

حدود ماده ۱۶۶ قانون مجازات عمومی مجرم دانست بنابراین دیوان جنائی امر را جنحه تشخیص داده ورأی بعدم صلاحیت خود میدهد دادستان رسیدگی فرجامی خواسته دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۲۶۸۶ بتاريخ ۱۲-۱۷-۱۳۰۲ چنین رأی داده است :

« اعتراض دادستان استان بر قرار دادگاه جنائی بدین خلاصه ( احراز این معنی که عمل بیاسبان در جلب حین انجام وظیفه بوده یا نه امری است که باید در طی رسیدگی بهامیت قضیه معلوم شود و اظهار عقیده دادگاه در این باب در نشست مقدماتی بی موقع بوده و بدین لحاظ قرار عدم صلاحیت مخالف قانون بشمار میرود ] وارد است چه مناط در صلاحیت دادگاه از لحاظ جنائی و جنحه بودن امر همان عملی است که مورد دعوی مدعی العموم واقع میشود و عمل منتسب بمتهمین در این مورد ابراد ضرب و جرح بیاسبان در حین انجام وظیفه

### رای دیوان کشور بر صلاحیت دادگاه عمومی

راجع باختلاف در صلاحیت در مورد سرقت در جاده عمومی

قانون راهزنان مصوب خرداد ۱۳۱۰

۱۴-۳-۱۸ چنین رأی داده است :

« بطوریکه از قرار بازپرس دادگستری و تحقیقات در ضمن بازپرسی استنباط میشود که بازپرس نیز در ضمن اصدار قرار عدم صلاحیت خود اشعار نموده است قضیه اساساً عنوان سرقت نداشته و با فرض ثبوت عمل منتسب بمتهمین سرقت در طرق و شوارع نبوده است که دیوان حرب برای رسیدگی صالح باشد بنا علیه حل اختلاف بانفاق آراء باشد تشخیص صلاحیت بازپرس دادگستری بعمل می آید»

چند نفر بانها هم سرقت در جاده عمومی مورد تعقیب واقع و بازپرس دادگستری بانصدیق بانکه غرض متهمان دزدی نبوده ولی چون قضیه در راه واقع شده قرار عدم صلاحیت خود را بعنوان صلاحیت دیوان حرب صادر نموده - معاون دادستان دیوان مزبور نیز ( بعنوان اینکه قضیه عنوان دزدی نداشته و تقریباً اختلاف خانوادگی بوده است ) قرار عدم صلاحیت داده و بر و ندهد برای حل اختلاف بدیوان کشور فرستاده شده - شعبه ( ۵ ) دیوان کشور در حکم شماره ۵۲۸ بتاريخ